

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه فجر

استاد ضرابی اردیبهشت ۱۴۰۰

جلسه دوم ۴۰۰/۲/۴

آیات شریفه : «وَالْفَجْرِ (۱) وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲) وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴) هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَبْرِ (۵) - سوگند به سپیده دم (۱) و به شبهای دهگانه - (۲) و به جفت و طاق (۳) و به شب وقتی سپری شود (۴) آیا در این برای خردمند [نیاز به] سوگندی [دیگر] است (۵)»

عنوان: باید بردمید، چون خورشید از پشت ابر...

وقتی که محبوب عالمیان میخواند « اَرْجِعِي إِلَى رَبِّكِ » (فجر/۲۸) می‌توان به روشنی فهمید که کیستیم، بر ما چه گذشته است و چه رسالتی بر دوش داریم.

براستی با این خطاب نباید بردمید؟ چون خورشید از پشت ابر، چون گل از دل دانه، چون آب از قعر چاه، چون حقیقت خود از وراء حجاب؟

از مهم‌ترین مصادیقی که برای « والفجر » شمرده شده، تطبیق آن بر حقیقت انسان است که از روایات آن به دو مورد اشاره نمودیم: « يَا جَابِرُ وَ الْفَجْرِ جَدِّي - ای جابر منظور از « وَالْفَجْرِ » جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌باشد» (المناقب، ج ۱، ص ۲۸۱) و نیز جابر از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده است که ایشان فرمود: « قَوْلُهُ تَعَالَى وَ الْفَجْرِ هُوَ الْقَائِمُ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ». (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۸)

در روایت امیرمؤمنان، « عَنْ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ أَنَّهُ قَالَ: سَأَلْتُ مَوْلَانَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا ع فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُ أَنْ تُعَرِّفَنِي نَفْسِي قَالَ يَا كُمَيْلُ وَ أَيُّ الْأَنْفُسِ تُرِيدُ

أَنْ أُعَرِّفَكَ...» (بحرالعرفان، ج ۱، ص ۲۰۵) برای نفس انسان بر وجه کلی، چهار مرتبه «نامیه نباتیه، حسیه حیوانیه، ناطقه قدسیه، کلیه الهیه» بیان شده است. که بر وجه جزئی تر آن به هفت مرتبه و بیشتر می رسد: «نفس اماره (نفس سرکش)، نفس مسوِّله (نفس فریبکار)، نفس لوامه (نفس ملامتگر)، نفس ملهمه (نفس الهام پذیر)، نفس مطمئنه (نفس آرام و تسلیم شده)، نفس راضیه (نفس خشنود)، نفس مرضیه (نفس خشنود کننده)»

پروردگار عالمیان از ما خواسته است تا مراتب وجود خود را بالا بیاوریم و خود را به اصل و حقیقت خود برسانیم؛ از این رو حضرت امیر (علیه السلام) فرمود: «معرفة النفس أنفع المعارف» «شناخت خود، سودمندترین شناختهاست» (غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۸۸) و نیز فرمود: «العارف من عرف نفسه فأعتقها و نزعها عن كل ما يُبغِّدُها و يُوبِّقُها - عارف و دانا کسی است که خود را بشناسد، موجبات آزادی خویش را فراهم آورد و نفس را از هر عاملی که باعث دوری از سعادت و کمالش می شود، منزّه دارد» (فهرست غرر، ص ۲۴۳) و همچنین فرمود: «ألا و إنَّ جِهادَ النَّفْسِ ثَمَنُ الْجَنَّةِ فَمَنْ جَاهَدَهَا مَلَكَهَا وَ هِيَ أَكْرَمُ ثَوَابِ اللَّهِ لِمَنْ عَرَفَهَا.» «جهاد بانفس بهای بهشت است، پس کسی که با نفس خود جهاد کند، بهشت را مالک شود» (غرر و درر، ج ۳، ص ۳۶۶)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روشن ساختن موقعیت ممتاز انسان می فرماید که: «حق (سبحانه و تعالی) مخصوص گردانید ملائکه را به عقل، و ایشان را بهره از شهوت و غضب نداد. و مخصوص ساخت حیوانات را به شهوت و غضب و آنها را از عقل بی نصیب کرد. و مشرف گردانید انسان را به همه اینها، پس اگر شهوت و غضب را مطیع و منقاد عقل گرداند، افضل از ملائکه خواهد بود، زیرا که خود را به این مرتبه رسانیده با وجود منازعه، در حالیکه ملائکه را منازع و مزاحمی نیست. (المجلسی، ج ۶، ۲۹۹) البته تسخیر بدن و نفس تنها با ایمان و عمل صالح ممکن است که همان مسیر عنایات ربوبی برای بندگان است.

هر دو عالم پر ز خود بینی همی
چونکه بر خیزد تعین جمله او است

گر تو بر خیزی زما و من دمی
این تعین شد حجاب روی دوست

عنوان: قوای دهگانه‌ی نفس نامیه و حیوانیه

حضرت صادق (سلام الله علیه) فرمود: « إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلاً
 بِلا شَهْوَةٍ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلا عَقْلٍ وَ رَكَّبَ فِي بَنَى آدَمَ كِلْتَيْهِمَا فَمَنْ غَلَبَ
 عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ -
 عبدالله بن سنان [از اصحاب امام صادق علیه السلام] نقل می کند: من از حضرت
 سؤال کردم که ملائکه افضل و بالاترند یا بنی آدم؟ پس حضرت علیه السلام
 فرمودند: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند به راستی که خداوند
 عزوجل در وجود ملائکه عقل را آمیخت، بدون آن که شهوت برایشان قرار دهد
 و در وجود حیوانات شهوت را در آمیخت بدون آن که عقل برایشان قرار دهد.
 ولی در بنی-آدم هر دو آنها را درهم آمیخت. پس هر انسانی که عقل او بر شهوتش
 غلبه کند او بهتر از ملائکه است. و هر انسانی که شهوت او بر عقل او غلبه نماید
 او از حیوان پست-تر و شرّتر است» (بحار/ج ۶۰/ص ۲۹۹)

آیه شریفه « وَلَيَالٍ عَشْرٍ » مصادیقی مختلف و متفاوت دارد که می تواند منطبق
 با (شب های ده گانه اول ماه ذی الحجه، شب های ده گانه آخر ماه رمضان، شب
 های ده گانه اول محرم الحرام، ده شب وعده حضرت موسی (علیه السلام) در
 طور سینا و...) باشد.

اما معنای هماهنگ با مراتب وجود انسان « ده قوه از قوای نفس نامیه نباتیه و
 نفس حسیّه حیوانیه » است که با هدایت نور وحی و راهبری عقل، مسیر سعادت
 هستند که مصادیق « وَلَيَالٍ عَشْرٍ » می گردند؛ مانند خود دنیا که مزرعه آخرت
 است.

ولیکن این قوای دهگانه بدون حاکمیت عقل و شرع، همگی حجاب بر روی
 حجاباند تا وقتی که انسان آنها را در تحت فرمان حق جلّ شأنه و هدایت عقل
 درآورد و از افراط و تفریط آنها به ویژه قوای شهویه، غضبیه جلوگیری کند؛ چرا
 که نیروی غضبیه اگر رها شود، مانند درندگان عمل می کند و قوه شهویه،
 حیوانیت خود را در خور و خواب و لذت طلبی های افسارگسیخته اعمال می کند و
 بجای عقل، قوه وهمیه انواع مکر و حيله های شیطانی را به کار می بندد.

مجاهدت در رام کردن این دو نفس در حقیقت موضوع هر ریاضتی است که در
 عبادتهای (شب های دهگانه اول ماه ذی الحجه، شب های دهگانه آخر ماه رمضان،

شب‌های دهگانه اول محرم الحرام، ده شب وعده حضرت موسی (علیه السلام) در
طور سینا و...) آمده است (یعنی همه عبادتها برای وصول انسان به گوهر و
حقیقت وجودش که قرب و همجواری با حضرت حق است، وضع گردیده‌اند).

تو مکانی اصل تو در لامکان	این دکان بر بند و بگشا آن دکان
زنده شو این مردگی از خود ببر	گرم شو افسردگی از خود ببر
آتشی از عشق او در دل فروز	خرمن تقلید را یکسر بسوز

عنوان: از کثرت قوای نباتی و حیوانی تا افق وحدت در قوه قدسیّه

از اسرار وجود انسان این است که قوای متعدد نفس با بساطت و وحدت قوا،
سازگار است، یعنی وحدت در عین کثرت « فالنفس مع وحدتها تتضمّن جميع
القوای المدركة و المحركة... » پس نفس با یکپارچگی و وحدتی که دارد، همه
قوای مدرکه (درک کننده) و محرکه (به حرکت درآورنده) را در بر دارد» (الحکمة
المتعالیة فی الاسفار الاربعة، ج ۸، ص ۲۲۱)

یعنی نفس در عین وحدت، واجد تمام نیروها و تواناییهای متعدد است، در عین
وحدت و بساطت، عین قوای ادراکی، اعم از قوای حسی، خیالی، وهمی و عقلی
می‌باشند.

درباره آیه شریفه « وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ » نیز باید گفته شود که با وجود مصادیق
مختلف و متفاوتی که در روایات ذکر شده است؛ از جمله فرمایش رسول مکرّم
اسلام (صلی الله علیه و آله): « وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ الصَّلَاةُ فَمِنْهَا شَفْعٌ وَ مِنْهَا وَتْرٌ -
الشَّفْعُ وَالْوَتْرُ نماز هستند. یکی نماز شفع و دیگری نماز وتر» (بحار الأنوار، ج ۸۳،
ص ۲۱۲)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: « وَالشَّفْعُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ فَاطِمَةُ
(سلام الله علیها) وَ الْوَتْرُ هُوَ اللَّهُ وَ حَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. - "وَالشَّفْعُ" امیر المؤمنین
(علیه السلام) با فاطمه (سلام الله علیها) است. "وَالْوَتْرُ" خدای یکتا است که
شریکی ندارد» (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۸)

و نیز آن حضرت (علیه السلام) در بیان مصداقی دیگر فرمود: « الشَّفْعُ هُوَ رَسُولُ
اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ عَلِيُّ (علیه السلام) وَ الْوَتْرُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ عَزَّوَجَلَّ -

"الشَّفْعُ" (جفت)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) می باشد "والْوَتْرُ" (طاق) خداوند یگانه و چیره عزوجل است» (تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۶۶ / البرهان)

و نیز فرمود: « الشَّفْعُ یَوْمُ النَّحْرِ وَالْوَتْرُ عَرَفَة - " الشَّفْعُ " عید قربان است "والْوَتْرُ" روز عرفه است» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۹۰) و تطبیق های دیگری که داده شده است.

ولیکن مطابق با مراتب وجود انسان، اصل همه این تطبیق ها وقتی روشن و آشکار می شود که انسان از مراتب نفس نباتی و حیوانی (قوای ده گانه، لیال عشر) خود بالا آمده، به مرتبه نفس « ناطقه قدسیّه، کلیّه الهیه » رسیده باشد. یعنی از کثرت قوای ده گانه « لیال عشر » عبور کرده به افق وحدت قوا در مرتبه « وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ » نزدیک شود و برسد.

مطابق با فرمایش امیرمؤمنان (علیه السلام) نفس (ناطقه قدسیه) صاحبش را شب و روز در هر عبادت و قبل و بعد از آنچه ادا و چه قضا ملامت (سرزنش) می کند و اعتراف می کند و او در عبادت حریص است و به او (صاحبش) می گوید: از خدا و رسولش اطاعت کن و او را پرستش کن و برای او سجده نما و گرنه [اگر این کارها را نمی کنی] از روزی خدا نخور و از آبش ننوش و اگر از احکامش رو برگردانی و از دستورش سرپیچی نمودی از مملکت او خارج شو؛ و نفس (کلیه الهیه) نفس مطمئنه (آرام یافته) است که خالص و مخلص (خالص کننده) و عبادت کننده و راضی به تقدیر الهی و صبرکننده بر بلای خداوند تعالی و ستایشگر او به خاطر نعمت ها و عذاب ها و دردهای اوست که بر آن نفس وارد می شود و شکرگزار اوست بر آنچه که خداوند تعالی در او و غیر او آفریده است و خداوند تعالی از هر دوی آن ها (نفس ناطقه و نفس کلیه الهیه) راضی است.»

تو اصل وجود آمدی از نخست	دگر هر چه باشد همه فرع تست
گر تو آدم زاده ای چون او نشین	جمله ذرات را در خود ببین

عنوان: بر این سوگندها، صاحبان خرد داوری کنند

در روایتی در توصیف عقل آمده است: « الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ - عقل، چیزی است که به وسیله آن خداوند رحمان عبادت شده و بهشت به دست می آید» (کافی/ج ۱/ص ۱۰)

حال چگونه می‌توانیم قضاوت کنیم آیا ما عاقل هستیم یا نه؟

با توجه به مراتبی که از نفس انسان با استفاده از اشارات آیات و روایات گفته شد، فهمیده می‌شود کسی که به مرحله حاکمیت عقل در وجود خود رسیده است، می‌تواند پیام و هدایت این سوگندها را دریافت کند « هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حَجْرِ » (آیا این سوگندهای یاد شده برای خردمند کفایت نمی‌کند؟)

در مراتب نفس انسان قبل از مرحله « ناطقه قدسیّه، کلیّه الهیه » (در تقسیماتی که امیرمؤمنان علی علیه السلام پیشتر بیان فرمود)، برای هر کدام از مراتب نفس انسان پنج نیرو و دو خاصیت است: نفس نامیه نباتیه: با قوای (ماسکه، جاذبه، هاضمه، دافعه و مربیه)، همراه دو خاصیت « فزونی و کاستی » و نفس حسیّه حیوانیه با قوای (شنوایی، بینایی، بویایی، چشایی و لامسه)، همراه دو خاصیت « خشنودی و خشم ».

با توجه به اینکه دو نفس (نامیه نباتیه و حسیّه حیوانیه)، شب و روز صاحبشان را به بدی امر می‌کنند و او را به خوردن و نوشیدن و خواب و فساد و زنا و روگرداندن از خدا و رسولش و وصل شدن به شیطان و به آن چیزی که خلاف دین و اسلام اوست، دستور می‌دهند، عقل مقهور این قوا بوده و خطاب « ذِي حَجْرِ » در آیه شریفه « هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حَجْرِ » (آیا این سوگندهای یاد شده برای خردمند کفایت نمی‌کند؟) شامل او نمی‌شود؛ چرا که طغیان قوای نباتی و حیوانی قدرت اندیشه را در او مختل کرده است.

در قرآن کریم می‌خوانیم که خداوند پیامبرش را چنین سفارش می‌کند: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا - و همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام خدای خود را می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند وادار کن، و مبادا دیدگانت از آنان بگردد از آن رو که به زینتهای دنیا مایل باشی، و هرگز از آن که ما دل او را از

یاد خود غافل کرده‌ایم و تابع هوای نفس خود شده و به تبه‌کاری پرداخته متابعت
مکن» (کهف/۲۸)

درسه گز تن عالمی پنهان شده
همه شرح کتاب اکبر تست
سر این گنج را توئی سرپوش
دست با دوست کرده در آغوش

بحر علمی در نمی پنهان شده
هر چه در عالم کبیر بود
گل این باغ را توئی غنچه
پرده بردار تا ببینی خویش